

۳- پدر و مادرهای بی توجه - طرد کننده (کنترل کم-محبت کم)

کودک نمی تواند در خلأ عاطفی رشد یابد اگر والدین هیچگونه عشق و محبتی نشان ندهند ، زندگی برای کودک بی ارزش و بی ثمر می شود کودکان بیشتر هیجانی و احساسی هستند تا عقلانی و منطقی، رشد صحیح شخصیت از ترکیب هماهنگ این دو صورت می گیرد، فرزندان نیاز به محبت دارندهنگامی که فرزند احساس خطر می کند آغوش مادر به او اطمینان و آرامش می بخشد همچنان که کودک بزرگتر می شود کلمات اطمینان بخش مادر جای آغوش او را می گیرد کودکانی که دچار فقر و محرومیت هیجانی عاطفی باشند نمی توانند در آینده شریک خوبی در زندگی زناشویی باشند.



۲- پدر و مادرهای سهل گیر (کنترل کم، محبت زیاد)

این نوع دیگری از فرزند پروری است که در آن ، والدین عشق و محبت بیش از اندازه، بدون اعمال کنترل های لازم را ابراز می دارند. این گونه پدر مادر ها ، تحت تاثیر این برداشت نادرست که (روانشناسان با تنبیه مخالفند) حتی در شرایطی که کودک باید تنبیه گردد از این کار سر باز می زنند و یا با اومخالفت نمی کنند. تشویق و تنبیه تنها شیوه ای است که باعث می شود کودک بین آنچه درست و نادرست است فرق قائل شود.

از طریق تشویق و تنبیه والدین است که ارزشهای فرهنگی فرا گرفته می شود اشتباه پدر مادرها این است که از یک طرف در تنبیه کردن ، رفتارهای ناسازگار و ناهمخوان نشان می دهند . کودک در یک موقعیت برای کاری که کرده است توبیخ و در زمان دیگر همان کار نادیده گرفته می شود . و یا حتی مورد تشویق قرار می گیرد این کار کودک را گیج می کند.

روش درست و صحیح پذیرش فرزند و محبت به او و در عین حال تنبیه او به خاطر برخی از کارهاست این رفتار به کودک این حس را القاء می کند که والدین دوستش دارند اما برخی از رفتارها و اعمال او را تایید نمی کنند.

سبکهای فرزند پروری:

سبکهای فرزند پروری را می توان بر حسب دو عامل محبت و کنترل پدر و مادر به چهار دسته تقسیم کرد:

۱- پدر و مادرهای مستبد (کنترل زیاد، محبت کم)

برخی از والدین معتقدند که سخت گیری نسبت به فرزندان بهترین شیوه تربیتی و ضامن موفقیت آنها در آینده است.

هر کودکی به طور طبیعی تمایل به آزادی و استقلال عمل دارد. سخت گیری بیش از حد روح آزادی را در کودک از بین می برد و این ایده غلط را در او به وجود می آورد که آزاد و مستقل بودن ، نامطلوب است و فرزندان شخصیت فردی خود را از دست می دهند و در تصمیم گیریهای مناسب در زندگی شان ناکام می مانند زیرا همیشه این پدر و مادرها بودند که تصمیمات لازم را برای آنها گرفته اند.

این کودکان استقلال لازم را به دست نمی آورند و در شرایطی که نیازمند تصمیم گیری باشند دچار اضطراب می گردند .

آنها تمایل پیدا می کنند که در تمام فعالیتها نقش دوم را بازی کنند این کودکان در بزرگسالی نمی توانند نقش رهبری را بر عهده بگیرند.





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان بهداشتی جهانی

سازمان بهداشتی جهانی

مرکز بهداشت استان یزد

سبکهای فرزند پروری



گروه پیشگیری و مبارزه با بیماریها
واحد بهداشت روان

۳- در برخورد و ارتباط گفتاری با او سعی کنید مشتاقانه به او نگاه کنید و هر چند لحظه از کلمات (حق با توست- راست می گویی) استفاده کنید.

۴- از او بخواهید که عقاید خود را راجع به مشکل پیش آمده بیان کند و آن را از ابعاد مختلف برایتان توضیح دهد.

۵- صبور باشید و بدانید که او یک کودک است و نمی تواند مثل شما سریع از کلمات لازم استفاده کند.

۶- کودکان با رفتارهایشان پیامهایی به ما می دهند مثل : درهم کردن انگشتان هنگام صحبت کردن، ناخن جویدن موقع نگرانی، اخم کردن، مشت کردن انگشتان هنگام عصبانیت، یا ژستهای کودکانه آنان هر چند با ما به روشنی سخن نمی گویند ولی با حرکات خود به صورت غیر کلامی با ما حرف می زنند.

۷- از سوالهای بسته و امری بپرهیزید.

۸- او را با تمام وجود درک کنید.

۹- از چیزهایی که کودک شاکه است و احساس نا رضایتی می کند و بلعکس چیزهایی که کودک را شاد می سازد و احساس خردسندی را در وی به وجود می آورد جدی بگیرید.

۱۰- گفتگو را در زمان مناسب انجام دهید.

۱۱- به سادگی و با زبان خودش سخن بگویید و از کلمات سخت و غیر قابل فهم کودک امتناع کنید.

حرف آخر:

ما به والدین این هشدار را می دهیم که فقط تنبیه جسمانی آزار محسوب نمی شوند بلکه ارتباط نادرست در گفتگوها یمان با کودک و نادیده گرفتن غیر عمدی وجود وی، بزرگترین آزار و بدترین پیامدهای روحی را برای او به ارمغان می آورد و این باعث می شود که نسلی مضطرب، بدون اعتماد به نفس، احساس حقارت در برخوردهای اجتماعی و بین فردی بپرورانیم و از همه مهمتر بتدریج چرخه ناقصی ایجاد می شود که نسل در نسل، روان کودکان و والدین آینده را تهدید می کند.

۴- پدر مادرهای مقتدر (کنترل زیاد-محبت زیاد)

بهترین شیوه فرزند پروری آن است که همراه با کنترل مناسب و محبت کافی باشد والدین باید بین کودک به عنوان یک انسان از یک سو، و رفتارهای کودکانه او از سوی دیگر تفاوت قائل شوند این والدین این فرق را بین کودک و اعمالش قائل می شوند یعنی به خاطر رفتارهای پسندیده اش تشویق و به خاطر اعمال ناپسندش تنبیه می کنند. پس نتیجه می گیریم سبک تربیتی والدین یک عامل مهم پیش بینی کننده سوء رفتار با کودکان و همچنین عامل اساسی در اختلال و تداوم کودک آزاری از نسلی به نسل دیگر است. اگر نمی توانید با کودکان به راحتی ارتباط برقرار کنید!

اگر او با شما سخن نمی گوید!
ار از دست لجبازیهایش به سطوح آمدید!



این چند نکته را مد نظر قرار دهید:

- ۱- علاقمند موضوع و مشکلاتش را دنبال کنید
- ۲- اگر شما مشکلات کودکان را کوچک و بی ارزش بشمارید قطعاً از گفتن مشکلاتش امتناع می کند یا به بد خلقی و لجبازی مبادرت می ورزد.